

خدای زنده

جلد سوم

ظهور دوم خداوند و زندگانی ابدی

فصل پنجم : رستاخیز مردگان

تعلیم مسیحی برای بزرگسالان
طبق سنت کلیساهای شرق

فهرست

۳۱ فصل پنجم : رستاخیز مردگان
۳۳ الف - در عهد عتیق
۳۵ ب - در عهد جدید

فصل پنجم

رستاخیز مردگان

ای خنک آن مرد کز خود رسته شد در وجود زنده ای پیوسته شد (مثنوی)

آیا رستاخیز جسم حقیقت دارد؟ یا این که اسطوره ای بیش نبوده و اصطلاحی برای مشخص نمودن باوری متروک و دور از حقیقت است؟

در روز پنطیکاست، پطرس از بالاخانه به کوچه های اورشلیم پایین آمده و روشن به آتش روح القدس، مسیح رستاخیز کرده را اعلام می کند (ع ۲: ۲۶-۲۸). او با ارجاع به نوشته های مقدس، مزمور (۱۶: ۹-۱۱) را نقل می کند: «کالبدم در اطمینان ساکن خواهد شد زیرا جانم را در هاویه^۱ ترک نخواهی کرد و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببیند. راه زندگی را به من خواهی آموخت». پطرس رسول توضیح می دهد: آری، داود، سراینده این مزمور «وفات نموده و دفن شده است و مقبره او تا امروز در میان ماست. پس چون نبی بود و دانست که خدا برای او قسم خورد که از فرزندان او به حسب جسم، مسیح را برانگیزاند، تا بر تخت او بنشیند، درباره برخاستن مسیح پیش دید» (ع ۲: ۲۹-۳۱). بنابراین فرزند داود، یعنی عیسیای مسیح، پیروز بر مرگ و «گذر فساد ناپذیر» ماست که درهای امید رستاخیز را به روی همه انسانها می گشاید. موضوع بحث ما «رستاخیز جسم» می باشد که حقیقتی مسلم است. رستاخیز جسم مفهومی ذهنی و تجربیدی نبوده و نیز زندگی یک روح تنهای جدا شده از پوشش خاکی خود که بر حسب تعلیمات بعضی فیلسوفان با افکاری بلندپروازانه در دنیایی خیالی زندگی خواهد کرد، نمی باشد. مزمور نویس و پطرس هم، تمامی امید خود را به جسم رهایی یافته از فساد بسته اند.

جوان: فساد چیست؟

پیر: فساد یعنی تجزیه جسد و بازگشت آن به خاک. آیا شرح آفرینش (پید ۲: ۷) را به یاد داری؟ انسانی که از خاک سرشته شد به خاک بر می گردد، زیرا پس از هبوط، بدی، رنج، مرگ و تجزیه در آفرینش زیبای خدا داخل شده اند: «به خاک بازگردی که از آن گرفته شدی، زیرا که خاک هستی و به خاک برخواهی گشت» (پید ۳: ۱۹).

^۱ زندان مردگان، هاویه که به زبان عبری شئول نامیده می شود.

با این وجود ما ایمان داریم که مردگان زنده خواهند شد. آخرین کلمات «قانون ایمان» چنین می گویند: «برخاستن مردگان و زندگی جهان آینده را در انتظاریم».



این شمایل سریانی کهن از ماردین متعلق به سده ۱۳م می باشد، و مسیح ایستاده، زنده و پیروزمند را به ما نشان می دهد که علم پیروزی اش یعنی صلیب را در دست دارد. در زیر پای او درهای درهم شکسته زندان مردگان به آدم و حوا در سمت چپ و عادلان عهد قدیم در سمت راست امکان می دهد که از مرگ برخاسته و از این زندان تاریک بیرون آیند، زیرا اگر همانطور که در اعتراف ایمان اعلام می کنیم که عیسی با مرگ خود به هاویه فرو شد، برای این بود که آدم و همه فرزندان را بجوید که به دلیل گناه محکوم به مرگ بودند، اما بوسیله آدم نوین رهایی یافتند.

جوان: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ باور کردن این که همه کسانی که مرده اند دوباره زنده خواهند شد مشکل است.

پیر: پس بهتر این است که برای کج نرفتن از ایمان راستین، نوشته های کتاب مقدس را با دقت در نظر داشته باشیم. ما حق نداریم در زمینه اسرارآمیزی همچون مرگ و رستاخیز، نو آوری کرده یا به استدلال بپردازیم، بلکه تنها می توانیم در آنچه که نوشته های مقدس بر ما آشکار کرده اند بررسی و تامل نماییم. مطالب نوشته های کتاب مقدس در باره کنجکاوای های نابجایی که برای درک اسرار مرگ در پی ایجاد ارتباط با عالم

ماورا هستند هشدار می دهند^۲. تنها این نوشته ها هستند که می توانند حقیقت را بر ما مکشوف سازند، زیرا که خود روح القدس توسط آنها ما را می آموزاند، روح القدس که «به زبان پیامبران سخن گفته است» (قانون ایمان). پس نوشته هایی را در کتاب مقدس بیابیم که به رستاخیز اشاره می نمایند.

الف - در عهد عتیق

انسان پس از مرگ به خاک باز می گردد، اما با وجود این دانیال نبی وعده می دهد: «بسیاری از آنانی که در خاک زمین خفته اند بیدار خواهند شد اما اینان به جهت زندگی جاودانی و آنان به جهت شرمساری و خواری جاودانی» (دان ۱۲: ۲).

اشعیای نبی نیز همین امید را چنین اعلام می کند: «مردگان تو زنده خواهند شد و جسد های تو بر خواهند خاست. ای شما که در خاک ساکنید، بیدار شده بسرایید، زیرا که شبیم تو شبیم گیاهان است و زمین مردگان خود را بیرون خواهد افکند» (اش ۲۶: ۱۹). این امر به منزله زایشی دوباره و نوشتن آفرینش خواهد بود.

ایوب، این بی گناه رو به مرگ که بر تلی از پهن به صورت مصیبت باری رها شده بود فریاد بر می آورد: «من می دانم که یاری دهنده من زنده است و در روزهای آخر بر زمین خواهد برخاست و پس از آن که این پوست من تلف شود، با جسم خود خدا را خواهم دید» (ایوب ۱۹: ۲۵-۲۶). ایوب می داند که با چشمان جسمانی خود خدا را خواهد دید و ما کاملاً در این امید او سهیم هستیم. تل پهن به معنای دنیای تنزل کرده ماست. فساد و مرگ پیرامون ما را فراگرفته اند و با این وجود اعلام می داریم که خدا را خواهیم دید.

همچنین یونس از درون شکم ماهی که نشانگر جایگاه زیرزمینی هاویه است، می داند که خدا او را می شنود: «در تنگی خود خداوند را خواندم و او پاسخم را داد. از شکم هاویه (جهان مردگان) تضرع نمودم و تو آواز مرا شنیدی» (یون ۲: ۳). پاسخ عیسی به بی ایمانان که خواهان دلیل و ضمانت هستند بوسیله یونس داده خواهد شد. آیت یونس امیدواری به رستاخیز است، در جایی که هیچ امیدی نیست، یعنی هاویه که در آن انتظار بی معنی و همه چیز از دست رفته است: «همچنان که یونس سه شبانه روز در شکم ماهی ماند پسر انسان نیز سه شبانه روز در شکم زمین خواهد بود» (مت ۱۲: ۴۰).

^۲ مثلاً در کتاب لاویان (۱۹: ۳۱) آمده است: «به اصحاب جن ها رجوع مکنید و از جادوگران پرشش منماید تا خود را به ایشان نجس سازید».



یونس نبی

جوان: من به این مطلب که مسیح پسر خدا نمی تواند در گور باقی بماند ایمان دارم چون او خدا و چشمه زندگی بوده و منطقی است که رستاخیز کند. اما موضوع زنده شدن تن ما انسانها چندان روشن نیست.

پیر: از مرگ برخاستن مسیح نه منطقی است و نه آن اندازه که تو می گویی روشن. آنچه درک ناپذیر و بی نهایت شگفت آور است، این است که پسر خدا به راستی تن انسانی به خود گرفت و نه تنها ظاهر آن را. پس او این کار را شدنی ساخت. او روح نیست که برای مدتی محدود ظاهر انسانی را به عاریت گرفته باشد، چون در این صورت گذر از مرگ برای وی به دلیل این که به راستی جسم خاکی نداشت شدنی نمی بود. «دستها و پاهایم را بنگرید که من خود هستم و دست بر من گذارده ببینید زیرا که روح گوشت و استخوان ندارد، چنانکه می نگرید که در من است» (لوقا: ۲۴: ۳۹) و برای تایید این که بدنش زنده است، پیش رویشان خوراک می خورد.

پولس رسول حق دارد که مسیح را نخست زاده از میان مردگان بنامد (کول ۱: ۱۸). این به آن معنی است که او تنها برای شخص خودش رستاخیز نکرده و تظاهری خودخواهانه به جهت مبهوت کردن انسانها انجام نداده است. در پی وی همه انسانها، همه جسد ها، حتی آنان که تجزیه شده اند از مرگ برخاسته و به زندگی باز می گردند، زیرا خدا چیزی را که به شباهت خود آفریده است به نیستی بر نمی گرداند. نبوت حزقیال نبی این رستاخیز را تایید می کند، این متن که یکی از نوشته های برجسته در میان کتابهای عهد عتیق است ارزش این را دارد که در اینجا به شکل کامل آورده شود:

دست خداوند بر من فرود آمده مرا در روح خداوند بیرون برد و در همواری قرار داد و آن از استخوان ها پر بود و مرا به هر سو گردانید و اینک آنها بر روی همواری بی نهایت زیاده و بسیار خشک بودند. و او مرا گفت: «ای پسر انسان آیا می شود که این استخوانها زنده گردند؟» گفتم: «ای خداوند یهوه تو می دانی.» پس مرا فرمود: «بر این استخوانها نبوت نموده به اینها بگو: ای استخوانهای خشک سخن

خداوند را بشنوید! خداوند یهوه به این استخوانها چنین می گوید: اینک من روح به شما درمی آورم تا زنده شوید و پيها بر شما خواهم نهاد و گوشت بر شما خواهم آورد و شما را به پوست خواهم پوشانید و در شما روح خواهم نهاد تا زنده شوید. پس خواهید دانست که من یهوه هستم.» پس من چنانکه مامور شدم نبوت کردم و چون نبوت نمودم آوازی به گوش رسید و اینک لرزشی واقع شد و استخوانها به یکدیگر، یعنی هر استخوانی به استخوانش نزدیک شد و نگریستم و اینک پيها و گوشت بر آنها برآمد و پوست آنها را از بالا پوشانید اما در آنها روح نبود. پس او مرا گفت: «بر روح نبوت نما! ای پسر انسان بر روح نبوت کرده، بگو: خداوند یهوه چنین می فرماید که ای روح از بادهای چهارگانه بیا و بر این کشتگان بدم تا ایشان زنده شوند.» پس چنانکه مرا امر فرمود نبوت نمودم و روح درون آنها شد و آنها زنده گشته بر پایهای خود لشکر بی اندازه بزرگی ایستادند. و او مرا گفت ای پسر انسان این استخوانها همه خاندان اسرائیل می باشند. اینک ایشان می گویند استخوانهای ما خشک شده و امید ما نیست شده و خودمان پراکنده گشته ایم. بنابراین نبوت کرده به ایشان بگو خداوند یهوه چنین می فرماید: اینک من گورهای شما را می گشایم و شما را ای قوم من از گورهای شما در آورده به زمین اسرائیل خواهم آورد و ای قوم من چون گورهای شما را بگشایم و شما را از گورهایتان بیرون آورم، آنگاه خواهید دانست که من یهوه هستم. و روح خود را در شما خواهم نهاد تا زنده شوید و شما را در زمین خودتان جای خواهم داد، پس خواهید دانست که من یهوه سخن گفته و انجام داده ام. سخن خداوند این است.» (حزق ۳۷: ۱-۱۴).

و نیز در آئین خاکسپاری چنین می سراییم: «ما فناپذیران که از خاک سرشته شده ایم به خاک بازخواهیم گشت، همانطور که تو فرموده ای: تو از خاک هستی و به خاک برخواهی گشت. ما فانیان در حالی که شیون های سوگواری را به هلولیاه تبدیل می کنیم همگی به آنجا خواهیم شتافت.» چنانچه مانند ایوب و یونس و سه مرد جوان در درون تنور آتش به زندگی در ورای ورطه مرگ امیدوار نباشیم، چگونه می توانیم در میان خاک، آواز هلولیاه سر دهیم؟

ب - در عهد جدید

خود عیسی مویذ این امید ماست، چون صدای او را در این سخنان می شنویم که به ما نوید می دهد: «آمین آمین به شما می گویم که ساعتی می آید بلکه اکنون است که مردگان آواز پسر خدا را می شنوند و هر که بشنود زنده گردد ... ساعتی می آید که در آن همه کسانی که در گورها می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد.» (یو ۵: ۲۴-۲۸). این متن نیز در آئین خاکسپاری خوانده می شود.

پولس رسول در رساله یکم خود به تسالونیکیان که بخشی از آن نیز در آئین خاکسپاری خوانده می شود چنین یادآوری می کند:

«اما ای برادران نمی خواهیم شما از حالت خوابیگان بی خبر باشید که مبادا مانند دیگران که امید ندارند اندوهگین شوید. زیرا اگر باور می کنیم که عیسی مرد و برخاست به همین طور نیز خدا آنانی را که در عیسی خوابیده اند با وی خواهد آورد زیرا این را به شما از سخن خدا می گوئیم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیگان پیشی نخواهیم جست، زیرا خود خداوند با صدا و آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان فرود خواهد آمد و مردگان در مسیح اول برخوانند خواست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم با ایشان در ابرها رفته خواهیم شد تا خدا را در هوا به پیشواز رویم و همچنین همیشه با خدا خواهیم بود. پس بدین سخنان همدیگر را دلداری دهید» (۱ تسالونی ۴: ۱۳-۱۸).

جوان: آیا درست تر نیست که بگوئیم تنها روح به نزد خدا می رود؟ در آئین خاکسپاری معمولاً چنین تکرار می شود: «به روح بنده درگذشته خود آرامش ارزانی دار». پس جدایی روح و بدن رخ می دهد؟ بدن در گور برجای می ماند چون به خاک برمی گردد.

پیر: ایرنائوس قدیس^۳ اسقف لیون (حدود سال ۱۷۰) و شاگرد پولیکارپ^۴، که او نیز شاگرد یوحنا انجیل نگار بوده به این پرسش تو پاسخ می دهد: «اگر عیسی همه بدن و جسم را با زنده کردن آنها رهایی نمی بخشید نمی توانست انسان را نجات دهد، زیرا انسان هرگز بدون بدن دیده نشده است...» ما غالباً برای آسان جلوه دادن مفهوم واقعیت انسان، دو بُعد جسمانی و روحانی او را در برابر هم می گذاریم و چنین تصور می کنیم که انسان در دوگانگی خود در حال سئیز است یعنی بدن فرمانبردار بدی بوده و محکوم به فساد است، و در صورتی که روح با تأمل و تعمق از پوشش جسمانی خود بگذرد پاک می گردد. در این صورت تنها روح می تواند رها شده و در جاودانگی خدایی سهیم گردد. در نتیجه این شیوه نگرش تطهیرگرایانه گونه ای بدگمانی نسبت به جسم پدید می آید. ما آن چه را که جسمانی است در یک سو و آنچه که روحانی است را در سوی دیگر می گذاریم، یعنی بدن چیزی جز ماده نبوده و روح از آن جهان روحانی است. جسم ناپاک بوده و روح به پاکی می گراید، جسم خاکی بوده و روح آسمانی می باشد. خدا هم جسم و هم روح را کامل آفریده است. بدن در صورتی بد می شود که روح انسان بوسیله گناه خود را از خدا دور ساخته و آن را برای به بندگی گرفتن جان به کار برد.

در نوشته های پولس می توانی بخوانی که: «وای بر من که مرد بدبختی هستم! کیست که مرا از جسم این مرگ رهایی بخشد؟» (روم ۷: ۲۴). آیا نظر پولس قدیس نسبت به بدن تحقیر آمیز است؟ البته که نه، چون او می داند که جسم از راه پیروزی مسیح بر مرگ، رهایی و شکوه یافته است: «جسم (...)

^۳ Irenaeus
^۴ Polycarp

برای جسم و خدا خداوند را برخیزانید و ما را به نیروی خود برخواهد خیزانید. آیا نمی دانید که بدنهای شما اعضای مسیح هستند؟ (... کسی که با خداوند بپیوندد یک روح است (... نمی دانید که بدن شما هیكل روح القدس است؟)»، «پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید!» (۱ قرن ۶: ۱۳-۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰). و «در وی (مسیح) از جهت جسم همه پری الوهیت ساکن است و شما در وی تکمیل شده اید» (کول ۲: ۹).



این تصویر کمی تغییر داده شده است. در واقع، مانند همه شمایل‌های سنتی، مسیح را می بینیم که پیروزمندانه از گور بیرون آمده که نیرومندان دست آدم را گرفته، که او نیز از زندان مردگان آزاد شده است. اما پشت سر او گروهی انبوه و شادمان از اشخاص گوناگونی را افزوده ایم که به ما یادآوری می کند که ما نیز، که ایمان داشته و در مرگ و رستخیز مسیح تعمید یافته ایم، بوسیله تعمید زندگی نوینی که از مسیح دریافت کرده ایم را آغاز کرده ایم، که ما را به جلال او هدایت می کند. پولس رسول نوشت: «مدفون با او (مسیح) در تعمید، با او نیز برخاسته اید، زیرا که به نیروی خدا که او را از مردگان برخیزانید ایمان آورده اید... در واقع شما مرده اید و زندگی شما با مسیح در خدا پنهان است.» (کول ۲: ۱۲ و ۳: ۳). بنابراین حضرت افرم به یاد ما می آورد که مرگ ما، روز تعمیدمان، در پشت سرمان قرار دارد. در پیش روی ما تنها مرگ جسمانی قرار دارد، که دری است به سوی شکوه مسیح و مشارکت با تثلیث، که از همین امروز روح القدس ما را به سوی آن هدایت می کند.

البته بدن در صورتی که روح اسیر آن شود می تواند انسان را به سوی مادیات بکشانند، او را زیر ستم خود در آورد و به واسطه سنگینی خود از جهش های روح جلوگیری کند: «بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیافتید. روح آرزومند است اما جسم ناتوان» (مت ۲۶: ۴۱). بدن سرچشمه بدی نیست اما می تواند جایگاه گناه و «تن مرده» شود. اما عیسی مسیح همین تن را بر خود گرفته و از این راه آن را رهانیده و آدم کهنه (روم ۶: ۶) را مصلوب کرده تا آن را از بردگی آزاد سازد.

چنانکه به انسان مرگ آمد، به انسان نیز برخاستن از مردگان شد و چنانچه همه در آدم می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند شد» (۱ قرن ۱۵: ۲۱-۲۲). پولس رسول با این گفتار راز بزرگی را بر ما آشکار می‌نماید و آن این است که بدن ما به حامل روح القدس تبدیل می‌شود تا همگی بتوانیم دگرگون شویم. چون عیسی جسم انسان را بر خود گرفت و با روح خود آن را تقدیس نمود پس جسم انسان می‌تواند نامیرا گردد: اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد او که مسیح را از مردگان برخیزانید بدنهای فانی شما را نیز به روح خود که در شما جای دارد، زنده خواهد ساخت» (روم ۸: ۱۱).

اما چون این فاسد بی‌فسادی را پوشید و این فانی به جاودانگی آراسته شد، آنگاه این سخن که نوشته شده است به انجام خواهد رسید، که مرگ در پیروزی بلعیده شده است. ای مرگ نیش تو کجاست؟ و ای گور پیروزی تو کجا؟ ... سپاس خدا راست که ما را به واسطه خداوند ما عیسی مسیح پیروزی می‌دهد» (۱ قرن ۱۵: ۵۴-۵۷).

در روز عید بزرگ رستاخیز سرودهای کلیسا، در عین حال هم رستاخیز مسیح و در آن رستاخیز همه انسانهایی را می‌سراید که از ایمان آوردن سرباز نزدند. در زیر نمونه ای از یکی از سرودهای کلیسای سریانی می‌آید:

در روح القدس

ای که فرزندان آدم را از مرگ بر می‌خیزانی، تو مرگ را چشیده‌ای.
با مرگت به مردگان زندگانی می‌بخشی و گناه را کشته‌ای.
ای که دوزخ را ویران و آدم را از مرگ برخیزانیده‌ای،
در بازگشت خودت ما را شایسته بدار تا در قلمروت شادی کنیم.

در این شب، پسر پادشاه ما مرگ را در جایگاهش کشته است.
او آمده تا خفتگان را دیدار کند و درکنارشان دراز کشیده است.
عطرش در میان مردگان پراکنده می‌گردد،
آنان دوباره زنده شده‌وی را می‌ستایند.

به وجد آی و شادی کن ای کلیسای مقدس،
آواز شکوهمندی و قدردانی برای دامادت بسرای که تو را به صلیب خود رهانیده
است.

با رستاخیز وی سلطه مرگ ویران گشته است.
آدم و فرزندانش وارث ملکوتی نوین اند.

ای مسیح خدای ما، کلیسایت تو را می ستایم،
تو که با مرگت او را به همسری خود در آورده ای.
با خون ریخته شده ات، مهریه او را نوشتی
و محبت تو جاودانه گسترده است.

(آیین سریانی)

درباره رستاخیز مردگان بیشتر تعمق کنیم.

- در تائید پولس رسول ۱ قرن ۱۵ تا چه اندازه پرسشهای مسیحیان شهر قرنتس
با پرسشهای ما در باره رستاخیز مردگان ارتباط دارند؟ و چگونه پاسخ های پولس
رسول را درک می کنیم؟

برای مطالعه بیشتر

- زندگی جاودان